



سفنی با همکیشان عزیز

با گسترش روزافزون فعالیت‌های فدراسیون یهودیان ایرانی در زمینه‌های مختلف و لزوم تأمین بودجه جهت پیشبرد برنامه‌ها و نیز از سرگیری انتشار «شوفار» که فعلاً بصورت خبرنامه بدست همکیشان ارجمند میرسد، چندی است به اتفاق تنی چند از دوستان داوطلب از بین اعضای هیئت امناء و هیئت اجرایی فدراسیون برای درخواست کمک مالی به دفتر کار نیکوکاران جامعه مراجعه کرده و می‌کنیم که باید اذعان کنم اکثر آنها تا بحال نهایت محبت و بزرگواری را در حق فدراسیون ابراز داشته و ضمن اینکه با خوشرونی پذیرای ما بوده‌اند با هدایائی گاه سخاوتمندانه موجبات تشویق و دلگرمی خدمتگزاران را فراهم آورده‌اند و در همین جا لازم است بدینوسیله مراتب سپاس و حقشناسی همکارانم در فدراسیون و خودم را تقدم حضورشان نمایم.

ولی، نکته قابل توجه که در این تماس‌های حضوری بیش از پیش برای ما روشن شد اینکه خیلی از مردم متأسفانه با فدراسیون و فعالیت‌های آن آشنائی ندارند و یا بطور خیلی مبهم چیزی میدانند، بطوریکه ناچار شده و می‌شویم در حدامکان و لازم توضیحاتی برای آنها بدهیم.

متجاوز از بیست سال از تأسیس فدراسیون یهودیان ایرانی میگذرد. هدف از تأسیس فدراسیون، ایجاد صدای واحدی بود که بتواند با قدرت از سوی کلیه یهودیان ایرانی مهاجر از حقوق همکیشان مقیم ایران که رژیم جمهوری اسلامی اقدام تنی چند از فرزندان و خدمتگزاران آنها کرده بود، دفاع کند و با فشار بر دستگاههای دولتی چه مستقیم و چه از طریق مراجع مختلف بین المللی مانع اعدام و آزار اقلیت‌های مذهبی بطور کلی از جمله یهودیان مقیم ایران گردد. خوشبختانه با انسجامی که اتحاد سازمانهای یهودی فعال آن زمان بخود گرفت، فدراسیون موفق شد

با مراجعه به مقامات ذیصلاحیت و اعزام نمایندگانی به واشنگتن به وکالت از سوی جامعه یهودیان ایرانی لوس آنجلس، شرایط باارزش و بیسابقه‌ای برای کلیه اقلیت‌های مذهبی ایرانی در زمینه مهاجرت به آمریکا و اقامت در کشور میزبان با برخورداری از کلیه مزایای مربوط به مهاجرین تازه وارد بوجود آورد، که این خود تازه اول کار بود.

در پی این اقدامات، خواهی نخواستی فدراسیون با مسئولیت‌های جدیدی روبرو شد. از جمله اینکه مأموریت یافت تشکیل پرونده متقاضیان مهاجرت را بعهده بگیرد، سپس با تماس دائم با جوئیش فدریشن آمریکا درصدد رفع احتیاجات فوری مهاجرین تازه وارد در زمینه‌های بیمه پزشکی، آموزش زبان، کاریابی، و بطور کلی راهنمایی آنان در حد امکان برآمد. و بازم موضوع به اینجا خاتمه نیافت: ورود روزافزون مهاجران و احتیاجات طبقات مختلف آنان، ایجاد انواع مراکز یاری رسانی را ایجاب میکرد، ضمن اینکه سازمانهای مختلف خیریه و فعال یهودی ایرانی از هیچگونه کوشش و کمکی در این باره مضایقه نکردند و در رفع مشکلات نیازمندان همت گماشتند.

فدراسیون یهودیان ایرانی نیز دست رد به سینه مراجعین متعدد در زمینه‌های درمانی، داروئی، شغلی، مشکلات خانوادگی و غیره، نزد و بموازات ادامه فعالیت مداوم کمیته روابط خارجی، بمرور اقدام به ایجاد صندوق اضطراری بیماران و نیازمندان، کمیته حل اختلاف، سازمان بانوان، سازمان جوانان، سازمان جشنها، سازمان انتشارات، کمیته کنیسا و غیره نمود و جامعه ما از طریق نشریه ماهانه و مرتب «شوفار» در جریان کلیه فعالیتها قرار داشت.

آری نشریه «شوفار» از ابتدای سال ۱۹۸۲ با همت فدراسیون یهودیان ایرانی و با همکاری صمیمانه و پشتکار خستگی‌ناپذیر عده‌ای از نویسندگان سرشناس، پژوهشگران، روزنامه نگاران باتجربه، محققان، مورخین، نخبگان و هنرمندان با ذوق و



معرفی و امضای کتاب

طی چند سال گذشته چندین بار سازمان بانوان بنی بریت، گروه فریبرز مطلوب قصد داشته است مراسم بزرگداشتی برای خانم «مهین عمید» شاعره توانا و نام‌آور یهودیان ایرانی برپا کند، لیکن این بانوی فرهیخته هیچگاه موافقت نکرده است. تا اینکه اخیراً سازمان مزبور تصمیم گرفت بمناسبت انتشار مجموعه تازه اشعار ایشان بنام «نگاهی به نگاه - دفتر دوم» به این خواسته جامه عمل بپوشاند. به این منظور در روز پنجم دسامبر ۲۰۰۲ در محل فدراسیون یهودیان ایرانی مراسم معرفی و امضای کتاب برگزار کرد.

در این برنامه پس از پذیرائی و امضای کتاب، مدعوین به سالن بزرگ دعوت شدند و پس از خیر مقدم بوسیله خانم ژاکلین احدوت، سخنرانان و هنرمندان هر کدام به طریقی از این شاعره محبوب طی بیانات گرم و هنرنمایی شایسته ستایش کردند.

شعر ایران که سرآغاز اشعار کتاب است بوسیله خانم «مولود زهتاب» با استادی و مهارت اجرا شد که شدیداً مورد توجه و استقبال قرار گرفت. خانم «هما پرتوی» بانوی فاضله و دانشمند که همیشه پشتیبان امور فرهنگی هستند ضمن ارائه نکاتی درباره ادبیات فارسی، مناجات را خواندند. خانم «هاله گیای» که با همه جوانی احاطه کلام و بیان فارسی چشمگیری دارند، خوش دلی های محال را با مهارت بسیار اجرا کردند. آقای «ناصر انقطاع» که در تهیه و چاپ کتاب سهم بسزائی دارند با استادی بسیار مطالب جامعی بیان کرده و نکات دقیقی را روشن کردند. شاعر گرامی و مقتدر آقای «تورج نگهبان» از سوابق دوستی دیرمدت با خانم مهین عمید و همکاریهای گسترده ادبی در نهایت صفا و صمیمیت گفتند. خانم «کروبیان» شعری را که در وصف خانم عمید سروده بودند و درقاب با خط خوش فراهم آورده بودند، خواندند. دوستان فراوان خانم عمید هرکدام بنوعی احساسات خود را بازگو میکردند و در این برنامه سهمی داشتند که سزاوار قدردانی و سپاس هستند.

خانم مهین عمید ضمن بیان مطالب ادبی و خواندن شعر زیبای «سراب» همراه با پیانوی خانم «مولودی احدوت»، از دوستان سپاسگزاری نمودند.

خانم ها «الهام» و «فائزه» ترانه هائی از ساخته های خانم عمید را اجرا کردند که صدای دلپذیر و احاطه بسیارشان در موسیقی برای همه جالب توجه بود و با اقبال روبرو شد.

خانم «پروانه یوسف زاده»، رئیس سازمان بانوان بنی بریت، گروه فریبرز مطلوب از یکیک دوستداران خانم عمید که اشعارشان را خواندند و یا ترانه هائی از ساخته های ایشان را با صدای زیبایشان اجرا کردند و از آقبالی که شرکت کنندگان این برنامه فرهنگی و ادبی نشان داده بودند، صمیمانه سپاسگزاری کردند و برای خانم مهین عمید آرزوی تندرستی و موفقیت های بیشتر نمودند.

در پایان خانم ژاکلین احدوت شعر «جای پا» را با کلام دلنشین و متین خود خواندند، سپس لوحه ها و تابلوهای سپاس به سرکار خانم عمید اهداء شد.

مورد توجه جامعه مان انتشار یافت و درهمین جا برخود واجب میدانم از اینکه از ذکر نام یکایک آنان بطور جداگانه خودداری می کنم، از حضورشان پوزش بطلبم.

نشریه پربار شوفاژ بطور مرتب به نشانی حدود ۵۰۰۰ خانواده ارسال میشد و همه افراد جامعه با فدراسیون و فعالیتهای روزمره و روبه افزایش آن، آشنائی داشتند و در جریان امور فدراسیون و سایر سازمانها قرار داشتند تا اینکه از حدود سه سال قبل انتشار آن متوقف شد و خواهران و برادران ما کمتر در جریان اخبار و فعالیتهای فدراسیون قرار گرفتند.

در این مدت سه سال و اندی، نه فقط از فعالیتهای فدراسیون کاسته نشد، بلکه با خرید ساختمان جویش سنتر در خیابان کرسنت هایت شمالی، اداره مرکزی، کلاسهای عبری، کلاسهای زبان انگلیسی برای سالمندان، کنیاسی جداگانه به زبان انگلیسی و عبری علاوه بر کنیاسی سنتی ایرانیان به سایر فعالیتهای اضافه شد و با اقدامات پیگیری که رئیس جدید هیئت اجرایی با همکاری سایر اعضای فدراسیون جهت تأمین بودجه لازم برای جوابگویی به احتیاجات روزافزون این نهاد بعمل می آورد، و با انتشار مجدد «شوفاژ» که فعلاً بصورت خبرنگار بدست شما میرسد، جای امیدواری است که همکیشان ارجمند بیش از پیش در جریان امور جاری فدراسیون قرار گیرند و با اطمینان خاطر بیشتری به درخواست فدراسیون پاسخ مثبت دهند تا خدمتگزاران این نهاد بتوانند بدون دغدغه خاطر به فعالیت های مفید و حساس خود در زمینه روابط خارجی و اقدامات اجتماعی که برعهده دارند، ادامه دهند.

الیاس اسحقیان

رئیس هیئت امانه فدراسیون یهودیان ایرانی

ما میمانیم



خود را ابدی و ازلی نپنداشتن و به دنبال روی از همین راهکار است که اساسنامه فدراسیون یهودیان ایرانی تدوین شده است. با انتخاب دکتر «برآوریان» به سمت رئیس هیئت اجرایی فدراسیون، ما شاهد خون تازه‌ای هستیم که دارد به شاهرگ‌های این نهاد میرسد. من، دکتر برآوریان را دهه هاست می‌شناسم و اینکه در آغاز نوشتیم که کار نشریه فدراسیون با درایت و کیاست دارد به انجام میرسد، از آن روست که ایشان در مدیریت سازمانی چیره دستند و بهترین ابزار برای این دستاورد را در اختیار دارند و آن ابزار «شنونده‌های خوب» بودن است. گفتیم این نهال را از ریشه آغاز کنیم و ایشان پذیرفتند و بی‌امان دست بکار شدند.

نشریه فدراسیون دارد یارگیری می‌کند و در این یارگیری بر همه ماست که یاری دهنده باشیم. خود و فرزندانمان. به فارسی و انگلیسی، بنویسیم و برای خبرنگار فدراسیون بفرستیم. ما به سردبیرانی برای دو بخش فارسی و انگلیسی نیاز داریم، اگر کسانی را سراغ دارید که این توانایی را دارند، بما معرفی کنید. نگذارید من و امثال من مشیر باشیم و مشاور. بگذارید جوانانمان بیایند و سردبیر شوند، من به سهم خود و با کمال میل حاضرم برای نسل بعدی‌مان قلم بزنم. چرا نه؟ اگر امروز این پرچم را بر دوش پرتوان آنان نگذاریم و در امور اجتماعی‌مان آنان را سهم نکنیم، فردا یا ما نخواهند بود.

کار گردانندگان خبرنگار فدراسیون بسیار عاقلانه است. اول هشت صفحه، بعد ۱۶ صفحه و بعد بیشتر و بیشتر تا دیگر بار، شوفار، نشریه فدراسیون یهودیان ایرانی که بهر جا می‌رویم همه سراغش را میگیرند، بمیدان بیاید. پرتوان و پرمحتوی. بما ببینید.

ترک کنیم، خیر. گفتم کنار بنشینیم) و این ره‌آورد سالیان بسیار را بدست کارآمد نسل بعد از خود بدهیم، از آن کنار که عرض کردم بقول عوام هوای‌شان را داشته باشیم و مثل دو امدادی، چوب مسابقه را به دست تازه نفسان بدهیم.

در کنار دیگر فعالیت‌ها و دلمشغولی‌هایی که گریبانگیر مسئولان فدراسیون در طول سالهای گذشته بوده، به این مهم نیز اندیشیده‌اند که «شوفار» در زندگی دوباره خود چه شکل و محتوایی باید داشته باشد؛ چرا که افزایش روزافزون انگلیسی‌دانان و کاهش مداوم هم‌نسلان فارسی‌خوآن من، این ضرورت را ایجاب میکند تا ما نسبت بخش فارسی به انگلیسی را که معمولاً ۸۰ به ۲۰ است اگر برعکس نکنیم دست کم نصف و نصف کنیم.

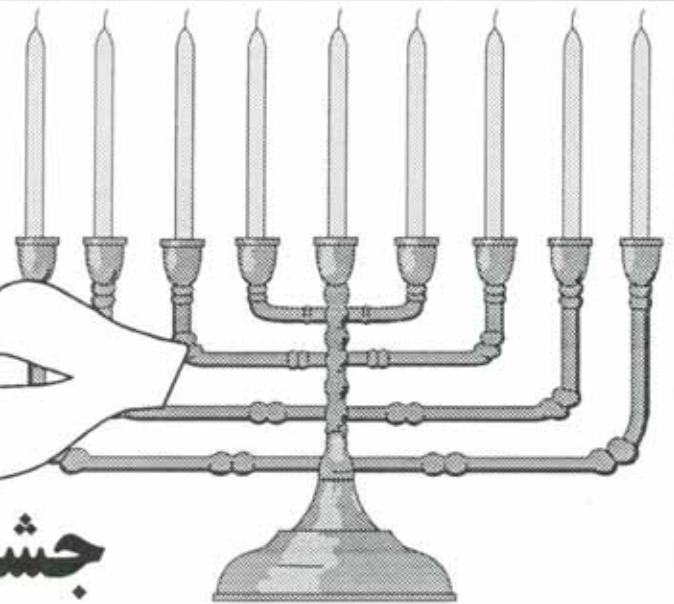
قاموس هرگونه نظام دموکراتیک همین دست بدست دادن هاست و در مقامی

وقتی اولین شماره خبرنگار فدراسیون (که حاصل همیاری گروهی از جوانان جامعه ما با فدراسیون یهودیان ایرانی بود) را دریافت کردم، احساس غریبی داشتم، حتی پدری که شاهد تولد فرزندش است، یا درختی که از کنار ریشه‌هایش، تک درختی جوان سر می‌کشد و می‌روید تا به اوج برسد.

نزدیک به هفده سال عمر «شوفار» را من و شما مدیون نویسندگان، شاعران و نقاشانی هستیم که با عشق به آرمانهای مردم ما و بدون هیچگونه چشمداشت، آنرا منتشر نمودند و حالا داریم می‌بینیم که نشریه فدراسیون یهودیان ایرانی، بار دیگر تولد می‌یابد، و این بار با درایت و کیاست، چراکه هدف من و دیگر یارانم در «شوفار» در طول سالیان درازی که این بار را کشیدیم این بود که روزی فرا برسد تا ما بزرگترها کنار بنشینیم (نگفتم صحنه را

کا

جشن حق بر باطل



در تورا به ویژه نگاهداشتن شیات و مراسم آن ممنوع باشد. حتی نگاهداشتن کتاب مقدس تورا در خانه یک جرم بشمار میرفت و هر کس که از این قوانین سرپاز میزد، بیدرنگ محکوم به اعدام می شد!

بعضی از یهودیان بدون هیچگونه مقاومتی پذیرای این فرامین ننگین شدند زیرا داشتن فرهنگ افسون کننده یونان را نشانه شخصیت و تمدن می پنداشتند. این گروه قلیل که به هلنیسم معروف شده بودند، ناخواسته و ندانسته نسل خویش را در خطر آسیمیلاسیون قرار دادند. اما بسیاری هم مصمم بودند که در حفظ ایمان خویش بکوشند، از این رو ترجیح دادند از شهر مقدس خارج شوند تا بیش از این شاهد توهین به مقدسات خود یعنی برگزاری جشن های زئوس نباشند. آنها که اکثریتشان را حسیدیم تشکیل می دادند به غارها و کوههای اطراف اورشلیم پناه بردند. زیرا در باورشان بود که خداوند فراموششان نخواهد کرد و بزودی رهبری را «ماشیح» برای نجات آنان خواهد فرستاد.

آنتیاخوس چنان به اشاعه فرهنگ یونان (هلنیسم) معتقد بود که می خواست سرتاسر قلمرو تحت اشغال خویش را

حنوکا آنرا پشت پنجره قرار دهند).

جشن حنوکا فرصتی است برای درک حقایق معجزات ذات احدیت و آن به مناسبت پیروزی یهودیان به رهبری متیا حشمونائی (کاهن بزرگ) بر مشرکین یونانی و خارج شدن بیت همیقداش و تطهیر خانه خدا از لوٹ بت‌های یونانی و افتتاح مجدد آن، همچنین سوختن اندک روغن زیتون مطهر در چراغدان هفت شاخه (منورا) به مدت هشت شبانه روز در معبد مقدس سلیمان است.

در فرهنگ عبری، واژه حنوکا به معنای افتتاح و تخصیص آورده شده است و ما آنرا به مناسبت مجدد معبد بیت همیقداش بدست مکابیان در ۲۵ کیسلو ۳۵۹۶ عبری مطابق با سال ۱۶۵ پیش از میلاد گرامی میداریم.

طبق شواهد مندرجه در بیست و پنجم ماه کیسلو سال ۱۶۸ قبل از میلاد، سربازان آنتیاخوس چهارمین «فرمانروای یونان» مجسمه زئوس را به داخل معبد سلیمان انتقال دادند و به افتخار خدای خود قربانگاهی را در آنجا بنا نمودند. همچنین آنتیاخوس دستور داده بود که آموزش تورا و انجام مراسم مذهبی مندرج

تاریخ یهود طی قرون متعادی حتی از بدو پیدایش یهودیت، همواره شاهد فراز و نشیب‌های فراوانی بوده است. با وجود اختلافات، پراکندگی‌ها و اسارتها در نهایت بی عدالتی‌ها و تبعیض‌ها زیست و به حفظ بقای خویش ادامه داد؛ و چون فولاد در کوره سوزنده زمان آبدیده‌تر از گذشته با رسالتی که به عهده گرفته بود، در ادوار سیاه تاریخ به بیداری اصالت‌های انسانی پرداخت.

امروز حادثه حنوکا با گذشت بیش از دو هزار سال به عنوان یک حماسه، یک انقلاب تاریخی در فرهنگ یهود ثبت گردیده است.

همه ساله یهودیان جشن حنوکا را در بیست و پنجم ماه عبری «کیسلو» به مدت هشت شب در خانه‌های خود با روشن نمودن چراغ حنوکا برگزار می کنند.

شب اول دوشمع و دیگر شب‌ها یک شمع به تعداد شمع‌های شب قبل افزوده می شود. بهنگام روشن نمودن، خداوند را سپاس می گوئیم که همواره ما انسانها را مورد لطف و عنایت قرار میدهد. (رسم بر آن بوده است، پس از روشن نمودن چراغ

همانند یونان از آثار هنری و معماری گرفته تا اعتقادات فردی مردم دیگر ممالک را تغییر دهد. پس از اشغال سرزمین یهودا توسط یونانیان، آنتیاخوس امر به تاراج آثار گرانبها و خزائن معبد سلیمان نمود و در اندک زمانی کوتاه بلافاصله شروع به اشاعه فرهنگ یونان در اورشلیم نمود. اما مقاومت و شورش های پیاپی یهودیان او را برآن داشت تا با ارتش بزرگ خود بار دیگر به اورشلیم حمله ور شود و با آتش زدن شهر، قتل عام نمودن هزاران نفر و به اسارت بردن زنان و کودکان انتقام خود را از آن کسانی بگیرد که حاضر نشدند جز به خدای یکتا به خدایان ساختگی یونانیان سر سجده فرود آورند.

ولی آنتیاخوس تنها به این قانع نبود. او میخواست یکتاپرستی را که فقط در سرزمین مقدس رواج داشت از میان ببرد. او میخواست یهودیت را برای همیشه محو سازد و یهودیان را بطور کامل یونانی نماید. از سوی دیگر آنتیاخوس در برابر قدرت نوظهور و کوبنده روم احساس خطر می کرد و بخاطر جلوگیری از سقوط حکومت شست و رو بزوال سلوکی ها تصمیم گرفته بود، تمدن یونان را به تدبیری که امکان داشت تقویت نماید. مهمترین آن تغییر مذاهب ملل تحت سلطه خود به تمدن یونان بود. زیرا ترویج و اشاعه فرهنگ یونانی را وسیله ای مؤثر در هماهنگی متصرفات و دستیابی به اهداف شوم سیاسی خویش می پنداشت. در حقیقت با تلفیق نیروی سیاسی و تمدن یونانی نه تنها مایل بود از فروپاشی حکومت خویش جلوگیری کند، بلکه در نظر داشت سیطره قدرت خویش را برعالم توسعه دهد و یا به عبارتی کشور گشائی نماید و بسیار بودند یهودیانی که در این راه به درجه شهادت نائل شدند، منجمله میتوان از الیعزر کاهن نام برد. پیرمردی که بخاطر

آنکه از خوردن گوشت خوک امتناع ورزیده بود بیرحمانه به قتل رسید! حنا مادری که آنتیاخوس از او و هفت فرزندانش خواسته بود تا در مقابل خدایان یونانی سجده نمایند و همگی آنها از این امر امتناع ورزیدند بدستور آنتیاخوس در مقابل دیدگان حنا، هفت فرزندش را یکایک به وضع فجیعی شکنجه و سپس به قتل رسانید. اما اعتقادات حنا بسیار قوی بود، با وجود آنکه قلب رنجورش بارها شکست، کوچکترین ضعفی در ایمانش آشکار نشد و در حالی که زمزمه کنان به نیایش مشغول بود چشم از جهان فروبست.

دیری نپائید که پرچم طغیان توسط مکابیان برعلیه ظلم و ستم یونانیان افراشته گردید. اولین قدم مخالفتی که برعلیه آنتیاخوس و اعمالش برداشته شد به رهبری کاهن پیری از شهر مودیعین بنام متتیا و پنج فرزندش بود. ناگفته نماند هسته اصلی سازماندهی این گروه مقاومت را یهودا پسر متتیا بعهده گرفته بود. وی با گردآوری

مردم ناراضی اقدام به تشکیل گروه های پارتیزانی نمود. در هر فرصتی با حملات پی درپی به دهکده های که مزدوران یونانی در آن مستقر بودند، عرصه را به آنان تنگ نمود. یهودا که به مکابی معرف شده بود به کرات توانست سپاهیان آنتیاخوس را شکست دهد، سرانجام توانست مکابیان را تشکیل دهد و در سال ۱۶۵ قبل از میلاد بسادرم شکستن نیروی دشمن، وارد اورشلیم گردید.

اولین اقدام مکابیان پاک کردن معبد بیت همیقداش و تعمیر و تطهیر آن بود. سپس در روز بیست و پنجم ماه کیسلو پس از نه سال بار دیگر بیت همیقداش را با مراسم مذهبی خاص همراه با جشن و سرور افتتاح کردند. این مراسم هشت روز بطول انجامید. از این رو یهودیان بیادبود آن مراسم جشن حنوکا را به مدت هشت روز برگزار می نمایند.

یوسف ستاره شناس

تعیین کمیته های سیزدهگانه و جلسات فدراسیون

طی جلسات اخیر هیأت اجرایی فدراسیون، کمیته های سیزدهگانه و مسئولین آنها تعیین گردیده و مورد تصویب هیأت امنا قرار گرفته است.

در آخرین جلسه هیأت عامل دکتر برآوریان در خصوص وضع مالی گزارش جامعی به هیأت امنا داد و اعلام داشت: جمع کل درآمد طی شش ماه گذشته ۳۶۷،۶۸۶ دلار و جمع کل هزینه در طی همین مدت ۳۳۰،۸۸۳ دلار بوده است. از مبلغ ۳۳۰،۸۸۳ دلار هزینه مبلغ ۶۶،۸۷۵ دلار بدهی های دوره گذشته بوده که پرداخت شده و امید می رود طی شش ماه آینده علاوه بر پرداخت هزینه های جاری، میزان درآمدها همراه افزایش نشان دهد.

در جلسه مورخ ۲۳ نوامبر ۲۰۰۲ هیأت امنا و هیأت اجرایی انتخاب پنج نفر برای عضویت در هیأت مدیره ستر انجام گرفت و افراد زیر انتخاب شدند: یونل نعمان، دکتر شکراله برآوریان، منوچهر قدسیان، فرشید شوشنی و دکتر ایذاک نورمحمودی.

بازمانده هالاکاست

برنده جایزه ادبیات نوبل شد

برنده جایزه ادبیات نوبل در سال جاری «ایمره کرتز» (Imer Kertesz) نویسنده مجار است.

ایمره کرتز از بازماندگان کمپ‌های مرگ نازی‌هاست و بیشتر کتابهایش بر پایه تجربیات او در این کمپ‌ها نوشته شده است.

آکادمی سوئد، ضمن تحسین روش داستان نویسی او، از کتاب «جی سرنوشت» که در سال ۱۹۷۵ منتشر کرده بود، نام برد.

این کتاب یک نوع شبه بیوگرافی است از خود نویسنده و حاوی تجربیات او در بازداشتگاه‌های نازی می باشد. طبق توصیف آکادمی سوئد، سرگذشت پسری است که به کمپ مرگ فرستاده شده و می کوشد در برابر خشونت وحشت بار و در مقابل محیط زجرآور، خود را بطریقی آسیب ناپذیر سازد.

نکته درخشان در کتاب این است که نویسنده با نادیده گرفتن بُعد عمیق فجایع در آن محیط بر نحوه برخورد قهرمان تأکید دارد و با شرح وقایع بدون لحن غضب آلود و توهین آمیز اعتباری شگرف به مطلب خود می بخشد و در عین حال آرزوی نیروی ماورالطبیعه قهرمان، اعتماد و باور خواننده را جلب می کند. بنا بر قول آکادمی «روشن

نویسنده‌گی کرتز حاوی نوعی سمبولیسم است که شخص می تواند در همان حال که عذاب فشارهای گوناگون از نواحی متعدد بر او وارد میشود، خود خویشتن را مصون سازد و با استقلال ذهنی زندگی کند».

«کارهای او نشان دهنده تجربیات خوردکننده فرد در برابر داوری ظالمانه تاریخ است».

«برای او آشویتس یک اتفاق استثنائی نیست بلکه نمایانگر حقیقتی

و آنها از تو می پرسند:

آیا دندان های طلا در دهان داری؟

مختصری از کتاب «جی سرنوشت» (۱۹۷۵)

کمپ بوخن والد در ناحیه‌ای رفیع از دامنه کوهستان در مجاورت دره قرار دارد. هوایش پاکیزه است، مناظر متفاوت اطراف، جنگل‌ها، و سفال قرمز بام خانه های روستائی پائین دره چشم نواز است. حمام در سمت چپ قرار دارد. رفتار بیشتر زندانیان دوستانه است هرچند با آشویتس تفاوت‌هایی دارند. در اینجا هم به محض ورود، با حمام و سلمانی، مایعات ضدعفونی و تعویض لباس مواجه میشوی. وسائل رخت‌کن هم دقیقاً مثل آشویتس است. اما حمام قدری گرم‌تر است، سلمانی با دقت بیشتری کار می کند و مأمور رخت‌کن، سعی دارد با یک نظر اندازه قامت ترا دریابد. سپس به کریدور و جلوی دریچه های شیشه‌ای متحرک، که از تو می پرسند: «آیا دندان‌های طلا در دهان داری؟» سپس یکی از همشهریانت که مدتی بیشتر در زندان است و موهایش هم کمی روئیده، نام ترا در دفتر بزرگ ثبت میکند و یک برگ مثلث زرد و نوار پهن و باریک که همه از پارچه است بتو میدهد. روی مثلث حرف یو (U) نوشته شده که بالاخره نشان بدهد تو مجارستانی هم هستی. روی نوار شماره‌ای است. روی نوار من شماره ۶۴۹۲ چاپ شده.

مبنی بر پستی و رذالت بشری در تجربیات معاصر است».

نویسنده ۷۲ ساله در گفتگو با خبرنگاران اظهار داشت که از برنده شدن احساس او ترکیبی از تعجب و خوشحالی است. او گفت: «موضوع مورد توجه من، مظلومی است که حکومت های توتالیتر و دیکتاتوری بر سر انسانها می‌آورند، و تغییراتی که در این شرایط بر انسانها حادث میشود». «من نمی خواستم که زمانی بر علیه فاشیسم بنویسم بلکه می خواستم آنچه را اتفاق افتاده بازگو کنم».

ایمره کرتز یهودی و متولد بوداپست پایتخت مجارستان است. در سال ۱۹۴۴ او را به بازداشتگاه آشویتس در لهستان که به اشغال نازیها درآمده بود، بردند. بعد به بوخن والد فرستادند. در ۱۹۴۵ و با پایان جنگ آزاد شد. لازم به تذکر است که حدود شش میلیون یهودی در هالاکاست کشته شدند.

پس از جنگ دوم جهانی، ایمره به مجارستان بازگشت و در سال ۱۹۴۸ به روزنامه نگاری پرداخت. در ۱۹۵۱ که روزنامه بدست حزب کمونیست افتاد، او را اخراج کردند و مجبور شد با مترجمی و نویسندگی امرار معاش کند.

در کتاب «جی سرنوشت» قهرمان داستان در تشریح وضعیت قطاری که او را به بوخن والد می برد چنین میگوید:

«سفری با همه شرایط اینگونه سفرها، جسم هنوز آنجا بود ولی خودم دیگر در آن نبودم. به آسانی می دیدم که جسم در احاطه چیزهای مختلفی به دور و برش و حتی بر سرش، بر کف



ایمره کرتز نویسنده مجار و برنده جایزه نوبل در ادبیات

نویسندگانی است که زمانی درباره آشویتس نوشته و ناشران برخلاف انتظارش آنرا چاپ و منتشر میکنند و از آن پس او گرفتار پیریشانی خیال برای از دست دادن زندگی خصوصی و دنیای تنهایی خود میگردد.

سومین کتاب از این سری، «قدیش برای کودکی که زاده نشد» نام دارد و در سال ۱۹۹۰ منتشر شده و بروایت شخص میانسالی است که مثل کرتز نویسنده و مترجم است. «قدیش» دعائی است که یهودیان بر فرد درگذشته می گویند و در کتاب بوسیله شخصیت اصلی داستان که بازمانده هالاکاست است برای فرزندی گفته میشود که نمی خواهد او را به دنیای بیرحمی که در آن آشویتس وجود دارد، بیاورد.

دریافت جایزه نوبل، برای کرتز کمکی میکند تا فیلمنامه‌ای برمبنای کتاب بنویسد و با همکاری فیلمساز مجار «بی سرنوشت» را بصورت فیلم سینما ارائه دهد. لائرس کولتای، فیلمساز مجار که با

کرتز همکاری میکند درباره او میگوید:

«او بر کمپ های مرگ فائق آمد چون دارای دید متفاوتی است. هم او و هم قهرمان داستان بی سرنوشت کوشیدند تا در آن موقعیت ها، لحظه های بهتری را بیابند و جز این نمی توان تاب آورد».

برای تأکید بر گفته اش میافزاید: «توجه کنید به نکته هائی درباره غروب آفتاب و یا عطر سوپا».

لاچوش کولتای عقیده دارد که کرتز همیشه می کوشد تا اشخاص ضعیف و ناتوان را در مقابل و برعلیه قدرت نشان دهد. او در جهت نمایاندن قدرت درونی است که در سکوت میتوان انسان ماند حتی آگاه که برضد قدرتی که بر تو ظلم میکند و پا روی تو میگذارد باز میتوان دنیای خود را حفظ کنی.

نیافته و هنوز از بین نرفته و حس میکنم که همه جا هست. فهمیدن ابعاد هالاکاست برای همه آسان نیست».

کرتز که سالیان فراوان، ادبیات آلمانی را به مجارستانی ترجمه کرده، تأکید میکند که از آلمانی در خشم نیست. او میگوید: «من از نازیها عصبانی ام. اکنون نسل سومی وجود دارد که با نازیسم کاری ندارد».

رئیس جمهور آلمان، جوهاانس رانو، ضمن شادباش به کرتز گفت: «علیرغم تجربیات وحشتناکی که در کمپ های مرگ آلمان داشته‌اید، کوشش های فراوان شما برای شناساندن و ترجمه اشعار آلمانی در مجارستان، تأثیر عمیقی بر من گذاشته است».

رئیس جمهور مجارستان، فرنک مال در نامه تهنیت به او می نویسد: «زندگی شما ثابت میکند که روح انسانی دارای ذخائری است که ایمان می نامیم و این ذخائر عامل تقویت و قدرت همه ماست».

«بی سرنوشت»، اولین کتاب از سری سه کتبی است که ایمره کرتز درباره تجربیات هالاکاست نوشته و بعد «شکست» که در ۱۹۸۸ منتشر شد و سرگذشت

قطار افتاده و زمین سرد و پرتکان قطار را که خیس از مایعات مشکوک فرا گرفته بود. حس میکردم که نوارهای کاغذی که روی زخم های بدنم گذاشته بودم تکه تکه شده و کنده شده و لباس راه راهی که آنها به تنم کرده اند به زخم هایم چسبیده بود. ولی اینها دیگر برایم اهمیتی نداشت و توجهم را جلب نمیکرد. در حقیقت باید بگویم مدت زمانی است که آرامش و بی خیالی را به راحتی (اگر بتوان نامش را راحتی گذاشت) تجربه میکنم. بالاخره توانسته بودم که خود را از رنج خشم و غضب برهانم. از تنهایی که مرا در میان خود تحت فشار گذاشته بودند، دیگر عصبانی نمیشدم. حتی از اینکه اشخاصی بودند و مرا در میان خود گرفته و بامن بودند خوشم میآمد و احساس همبستگی و همنوایی میکردم».

ایمره کرتز اولین مجارستانی است که موفق به دریافت جایزه نوبل در ادبیات شده است و این جایزه را پاداش سالهای نویسندگی اش میداند و میگوید:

«نوشتن درباره هالاکاست و ادبیات ضد دیکتاتوری... شاید نوشتن در این باره بتواند کشورهای اروپای شرقی را آموزش دهد. هالاکاست وضعیتی است که پایان

بت همیقداش



معبد سلیمان

قدیمی ترین بنای بیت المقدس

بیت المقدس در شهر اورشلیم، از تاریخی ترین و مقدس ترین نقاط جهان است که محترم همه موحتان جهان بوده، پیروان ادیان ابراهیمی در قداست آن هم نظرند و آثار مذهبی هر یک از ایشان در این شهر مانده است.

بیت المقدس که در عبری، بت همیقداش نام دارد، معبدی است که آن را حضرت سلیمان به نام خانه خدا، بنا نهاد تا مرکز مراسم عبادی یهودیان باشد، نیز بارها به این محل در تاریخ پرفراز و نشیب سرزمین مقدس حمله و تجاوز شد و گاه مشرکان، بت های خود را درون آن می نهادند. با اینکه بت همیقداش دوبار بطور کامل ویران شد و آخرین آن حدود سال ۷۰ میلادی بود؛ تا به امروز قبله گاه یهودیان جهان و مهمترین زیارتگاه آنان به شمار می رود.

آثار بدست آمده از کاوش های مختلف شهر اورشلیم در ژرفای ۱۰ تا ۲۰ متری و نیز بررسی های کتاب مقدس حاکی است که بت همیقداش اول یا معبد سلیمان، یکی از باشکوهترین و عظیمترین بناهای مذهبی و تاریخی ساخته شده در نوع خود بوده است. محل احداث این بنای

ساخت. این دیوار از سه سو با سنگهای عظیمی به بلندی ۱۵ متر، معبد را فرا گرفته بود که آثار مانده آن از سده اول میلادی تاکنون مرکز توجه یهودیان جهان است.

نام این دیوار، ندبه به معنای نیایش همراه تضرع است و علتش پیشامدهای شومی بود که طی تاریخ ویرانی بت همیقداش و اسارت یهودیان را به اکناف دنیا برانگیخت.

در زبان عبری به آن کوتل همعراوی (دیوار غربی) می گویند.

خاطره خرابی معبد تا به امروز در میان یهودیان با سنت سوگواری نگاهداری می شود.

ناگفته نماند که اولین قربانگاه این شهر را حضرت ابراهیم بنا فرمود. وی از شهر اور که در دست کنعانیان بود، با همسرش سارا و برادرزاده اش لوط به سبب فشارهای نمرود یکی از سلاطین آن زمان به اورشلیم که لوز نام داشت، آمده و آنجا ساکن شد. ابراهیم پس از استقرار، نخستین قربانگاش را به نام بت ال ایجاد کرد.

دومین قربانگاه را حضرت داوود در خرمن گاه کشاورزی به نام آرنان یبوسی بنا نهاد و سومین را سلیمان در همین نقطه، طبق وصیت پدرش به نام بت همیقداش باشکوه و جلوه ای خاص بنا نهاد.

ایجاد خانه خدا و قربانگاه، یکی از آرزوهای دیرینه داوود طی چهل سال پادشاهی اش بود؛ اما به دلیل جنگهای بسیار و رفتاری های سیاسی که پیوسته او را مشغول کرده بود، هرگز این سعادت نصیبش نشد و برابر پیغامی که ناتان نبی از سوی خداوند به وی داد، ساخت این معبد در اورشلیم به پسرش سلیمان واگذار شد.

به تعبیری، برای خونریزی ها و جنگهایی که داوود انجام داد، برای او جایز شمرده نشد که خانهای را به نام خدا بنا کند. وی پیش از وفاتش برای ایجاد آن

بی نظیر پرفراز تپه های موریاء، یکی از بلندترین نقاط اورشلیم است که از همان دوران باستان در برگ های تاریخ از پرحادثه ترین شهرهای جهان بوده است. این نام که در زمان تسلط حضرت داوود با نام شهر داوود یا اورشلیم شهرت یافت؛ واژه ای عبری، مرکب از اور به معنی روشنایی و مقدس و شلیم یا شالم به مفهوم صلح و سلامتی است.

برابر بررسی ها، قدمت این شهر به بیش از ۴۰۰۰ سال پیش از میلاد می رسد. نام اول آن یبوس یا جیبوس Jebus و شهروندان آن، یبوسی ها و کنعانیان بوده اند که بعدها یبوس به کنعان تغییر یافت. تاکنون سه حصار مهم، گرداگرد این شهر ساخته و چندین بار هم مرمت شده است. نخستین آن را یبوسی ها ساختند که با گذشت زمان و جنگهای آن دوران، رو به نابودی نهاد. دومین حصار در حکومت سلیمان ساخته شد که با هجوم لشکر بخت النصر، پادشاه بابل ویران شد.

پس از خرابی بیت المقدس دوم بدست رومیان، سومین دیوار را هیرودیوس کبیر، شاه ایشان که بر اسرائیل گماشته شده بود، برای جلب نظر و حمایت یهودیان



تدارک بسیاری دیده ولی برابر وصیتی که به سلیمان کرد، از او خواست تا این مأموریت را که به وی محول شده بود، به خوبی انجام دهد و فرمود: «ای پسر من، خدا با تو خواهد بود تا در این امر موفق شوی و خانه خدا را بنا نهی».

چیرگی حضرت داوود بر شهر یبوس

حضرت داوود پس از هفت سال جنگ و ستیز و ایجاد امنیت، متوجه شهر اورشلیم شد که آن هنگام در قلب متصرفات بنی اسرائیل قرار داشت و به یبوس معروف بود.

اهمیت یبوس از این روست که در آن دوران، کانون مهم مذهبی برای کنعانیان بود و همه عبادتگاه‌ها و بتکده‌های آن ناحیه در این شهر مستقر بود. داوود نیز اندیشید که پس از تصرف این شهر، آن را پایتخت و مرکز دینی خود بنهد و با ساخت خانه خدا در این شهر، صندوق عهد خداوند (میشکان) را که برای بنی اسرائیل، نماد اعتقاد و نشان وحدانیت است به یبوس آورد تا اذهان عمومی دریابند که اورشلیم برای موقعیت ویژه‌اش، مهمترین کانون عبادت و یکتاپرستی و قربانگاهی برای خالق عالم است. او با این کار می‌خواست نفوذ و اقتدار خود را بر تمام سرزمین یهودا و اسرائیل (دوازده اسباط بنی اسرائیل) بگسترده تا بعدها کشوری واحد و یکپارچه پی‌ریزی و بنا شود. سرانجام شهر را قوای نظامی داوود بدست آورد و پس از استقرار کامل به شهر داوود (اورشلیم) تغییر نام داد.

انتقال صندوق خداوند به اورشلیم

حضرت داوود در نخستین فرصت، صندوق خداوند را از قریت پعاریم آورد. لوحه‌های ده فرمان خدا که در کوه سینا به حضرت موسی (ع) داده شده بود و نسخه‌ای از تورات در آن جای داشت.

خبرنامه فدراسیون یهودیان ایرانی

حمل و نقل صندوق خداوند، آداب شرعی خاصی را می‌طلبید که نخست به سبب کوتاهی در اجرای آنها، انتقال صندوق ممکن نشد.

در دومین اقدام، همه کاهنان و لایوان (از نسل حضرت موسی و هارون) پس از تقدیس خویش چنانکه صندوق عهد بر کتف لایوان می‌بود، رهسپار شدند. این کاروان را حضرت داوود و دیگران همراهی میکردند. جمیع قوم با جشن و سرور، پایکوبی، خواندن سرود، نواختن ساز، دهل و کرنا وارد شهر اورشلیم شدند و آن را در جایی که بیشتر به صورت یک خیمه آماده کرده بودند، نهادند.

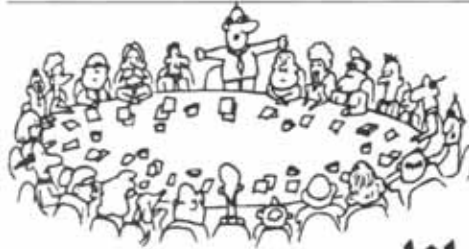
سپس تقدیم قربانی ای سوختنی و ذبح برای سلامتی به حضور خداوند آغاز شد و حضرت داوود پس از فراغت از این مراسم، همه حاضران را طی مراسمی به نام خدا برکت داد.

پس از مدتی، فرشته خدا امر فرمود: «به داوود بگویند که برود و مذهبی را برای خداوند در خرمنگاه ارنان یبوسی

برپا کند». بیدرنگ داوود به آن نقطه که به وی نموده شده بود رهسپار گشت و از مالک آن خواست که خرمنگاه را به او بفروشد تا قربانگاهی برای خدا برپا سازد. از همان ابتدا یبوسی موافقت خود را اعلام کرد و حاضر شد نه تنها زمین را، که گاوهای را برای قربان و گندمهایی را برای هدیه آردی و هیزم رایگان در اختیار وی نهد. داوود این پیشنهاد را نپذیرفت و گفت: «همه را به قیمت خواهم خرید و چون اموال توست و این امر وقف خداست به رایگان نخواهم گرفت».

در نتیجه، خرمنگاه را به وزن ششصد مثقال طلا خرید و آنجا مذهبی برای خدا ساخت و قربانی‌های سوختنی و ذبایح سلامتی تقدیم کرد.

داوود پس از خرید زمین فرمود که سنگهایی را مربع گونه برای بنای خانه خدا بتراشند و مس و چوب سرو آزاد را از سیدون گرد کرده، دیگر لوازم اولیه را فراهم آورند. ادامه در شماره آینده



فعالیت های جوانان فدراسیون یهودیان ایرانی

فدراسیون یهودیان ایرانی در سال گذشته فعالیت های ممتدی برای گردهم آوردن و همکاری جوانان یهودی بعمل آورد که حاصل آن تشکیل «فدراسیون جوانان یهودی ایرانی و آمریکائی» بود که با نام «نسل نوین» یا "New Generation" نیز شناخته میشود.

هدف اصلی این ارگان پیشبرد آگاهانه جامعه با ایجاد ارتباط فرهنگی و اجتماعی قوی و گسترده است و در این راستا اقدامات زیر انجام شده است:

در ماه دسامبر گذشته A.D.L. (Anti Defamation League) برنامه ای برای بررسی پیامدهای یازدهم سپتامبر و اثرات آن بر جامعه ترتیب داد و از جناب قاضی آینهورن (Honorable Judge Einhorn) دعوت نمود تا بدین منظور سخنرانی کند. فدراسیون جوانان نیز در این کوشش همکاری کاملی ارائه داد. جناب آینهورن درباره فاجعه

یازدهم سپتامبر و انتظاراتی که از جامعه یهودیان ایرانی می رود سخن گفت و پس از آن هیئتی شامل دو نماینده از A.D.L. و دو نماینده از فدراسیون جوانان با چند تن از حاضران برنامه بحث و گفتگو و ارائه نظر ترتیب دادند که سودمند و راه گشا بود. در این جلسه بیش از یکصد نفر حضور داشتند که با علاقمندی در مذاکرات و ابراز عقیده شرکت کردند.

در ماه مارچ فدراسیون جوانان، سومین میهمانی سالیانه پوریم را با حضور بیش از پانصد نفر برگزار نمود. میهمانی بصورت بالماسکه ترتیب یافته بود. کلاه و نوارهای بوا بین حاضران پخش شد. با پذیرائی کوکتل، انواع سرگرمی ها فراهم شده بود و جوایز جالبی چون تلفن های همراه و دوربین های دیجیتال عکاسی به بردگان لاطاری داده شد. کازینو تنوع جالبی به برنامه داده بود که با رقص و موسیقی تا چهار بامداد ادامه یافت. برای

سال آینده میهمانی پوریم را فراموش نکنید.

در ماه آوریل فدراسیون یهودیان ایرانی برای کمک به یهودیان نیازمند اسرائیل برنامه «دوستانان اسرائیل» را ترتیب داد که «نسل نوین» با همکاری خود در موفقیت آن سهم شایانی داشت. با فراخوانی جوانان شاغل یهودی و همراهی بیدریغ آنان توانست وجوهی جمع آوری کرده و مستقیماً به نیازمندان اسرائیل برساند. همچنین در برنامه «یهودیان در بحران» نیز که فدراسیون یهودیان آمریکائی ترتیب داده بود، شرکت کردند و با کوشش خستگی ناپذیر به جمع آوری اعانه پرداختند که حاصل آن برای یهودیان نیازمند اسرائیل و آرژانتین فرستاده شد.

در ماه آوریل فستیوالی بمناسبت پنجاه و چهارمین سالگرد استقلال اسرائیل در پارک وودلی "Woodley Park" برگزار شد. فدراسیون یهودیان ایرانی و آمریکائی با تشکیل غرفه هایی با حضور کلیه هیئت رئیسه «نسل نوین» پشتیبانی و همیاری کاملی ارائه داد. اطلاعاتی درباره فعالیت های خود بین مدعوین پخش نمود و از میهمانان پذیرائی بعمل آورد. رقص و آوازه های مختلف از جمله سرگرمی های این جشن بود.

در ماه جون با ورود یک ربای عالیرتبه از اسرائیل، برنامه ای برای تشریح وضع پیچیده اغتشاشات در آنجا، ترتیب داده شد و با نمایش چند فیلم و ویدئو، تفاوت و معنی حرفهای یاسر عرفات در صحبت هایش به انگلیسی و به عربی برای مدعوین روشن شد. علاوه بر آن، ایشان اطلاعاتی درباره وضعیت اسرائیل در موقعیت خطیری که قرار گرفته و در برابر عملیات پی. ال. او. ارائه داد و اهمیت کمک رسانی به اسرائیل را در این موقع خاطر نشان ساخت. پس از نمایش فیلم های

انتشار جلد سوم گنجینه های طلایی (۱۰۰) خاطره

بنیاد فرهنگی دکتر روح اله کهنیم اعلام داشت که جلد سوم گنجینه های طلایی ۱۰۰۱ خاطره، با مطالب گوناگون به فارسی و انگلیسی با قطع بزرگ و جلد زرکوب در ۸۰۰ صفحه به چاپ رسیده و بزودی در اختیار علاقه مندان قرار خواهد گرفت. برای کسب اطلاع جهت تهیه جلد سوم کتاب و آگاهی از چگونگی چاپ جلد چهارم با آقای دکتر روح اله کهنیم تلفن ۰۷-۵۸۸-۶۵۸ (۳۲۳) تماس حاصل فرمائید.

بارۀ این موضوع مهم و حساس گفتگو کردند و به رایزنی پرداختند. لطفاً در تقویم خود برنامه‌های آینده ما را یادداشت فرمائید:

میهمانی برای کمک به اسرائیل -
گرفتن اعضای جدید در ماه ژانویه و برای میهمانی سالیانه پوریم در مارچ با ما باشید.

در ماه اکتبر A.D.I. و فدراسیون با همکاری چند سازمان برنامه مشاوره و گفتگو درباره «خشونت برعلیه جوانان یهودی ایرانی در لوس آنجلس» ترتیب دادند که نمایندگانی از دادستانی و پلیس لوس آنجلس، فدراسیون یهودیان ایرانی و آمریکائی با حضور ربای دیوید شوفت در

مستند از مسائل فیما بین اسرائیل و فلسطینی ها و بحث و مذاکره در این باره، با پذیرائی، برنامه پایان یافت.

در ماه جولای، طی دعوتی ربای داو هیلر Rabbi Dov Heller که در روانشناسی صاحب مقام است و همچنین مشاور زناشویی میباشد در باره «ده دلیل ازدواج های غلط» برای بیش از یکصد نفر سخنرانی کرد و بین حاضرین اوراقی حاوی نکته‌های مهم درباره زناشویی پخش گردید. پس از سؤال و جواب که بسیار مفید و آموزنده بود، از این تجربه بیسابقه سپاسگزاری شد.

در ۲۱ جولای سازمان بانوان فدراسیون با همکاری «سِل نوین» فیلم پیروزی در انتبه را با حضور بیش از دویست نفر نمایش داد و از مدعوین پذیرائی شد. در این فیلم چهره ارتش شجاع اسرائیل نشان داده شده است.

با همکاری «فدراسیون جوانان یهودی ایرانی» و «گروه یهودیان متحد» نمایشگاه ارتباطات در محل فدراسیون با حضور بیش از پانصد نفر برگزار شد. در این فرصت، دانشجویان دانشگاه‌های مختلف و هم چنین بازرگانان جوان یهودی، پاسخگوی سئوالات علمی و اقتصادی مطرح شده بودند و راهنمایی‌های ارزنده می نمودند. در پایان برای رفع خستگی، برنامه موسیقی و رقص ترتیب یافته بود.

در ماه سپتامبر، «سِل نوین» برنامه تفریحی «جین پارتی» برگزار نمود. طی این کار ابتکاری! سالن فدراسیون را یک شب با انواع پوشش های جین تزئین کردند و با سیاه کردن چراغ محیط مخصوصی فراهم آوردند که با حضور بیش از دویست و پنجاه تن از جوانان که با موسیقی دی. جی. شدوز D.J. Shadows میرقصیدند، همگی اوقات شاد و خوشی را با یکدیگر سپری کردند.

انجام مراسم بر و بت میتصوا در کنیسای فدراسیون



طی چند ماه گذشته تعداد خانواده‌هایی که مراسم بر و بت میتصوای فرزندانشان را در کنیسای فدراسیون یهودیان ایرانی برگزار کرده‌اند، افزایش چشمگیری نشان داده است؛ و این بدان جهت است که کنیسای فدراسیون در کمال صمیمیت و همکاری و همگامی پذیرای چنین مراسم است و کوشش میکند کلیه وسایل رفاه و پذیرائی را برای صاحبان اینگونه مراسم فراهم آورد.

روز شنبه ۱۶ نوامبر ۲۰۰۲ مراسم بت میتصوای دوشیزه «برینا بنایان» فرزند خانم فریبا و آقای دیوید بنایان برگزار گردید. نخست آقای دکتر نورمحمودی سخنان جامعی پیرامون اهمیت اینگونه مراسم ایراد کرد و از استعداد، پشتکار و تسلط بت میتصوا برینا بنایان تمجید کرد. آنگاه برینا با زیبایی و تسلط مراسم را به انجام رساند و مورد تحسین و تشویق حضار قرار گرفت. سپس خانواده‌های بنایان و بخشیان مدعوین را در سالن اصلی فدراسیون به ناهار دعوت و از همگی بشایستگی پذیرائی کردند.

همچنین در روز شنبه ۲۳ نوامبر کنیسای فدراسیون شاهد برگزاری دو بر میتصوا به نامهای «سام پیکر» و «ادوین نوریان» بود که هر دو با آمادگی و شایستگی زیاد مراسم را انجام دادند و مورد تشویق و تمجید شرکت کنندگان قرار گرفتند.

نیز در روز شنبه ۷ دسامبر ۲۰۰۲ مراسم بر میتصوای «رابین خداداد» برگزار شد که نامبرده با تسلط و آگاهی زیادی که از خود نشان داد مورد تحسین حضار قرار گرفت. در کلیه مراسم نامبرده بالا آقای دکتر نورمحمودی هدایائی از سوی فدراسیون به جوانان نامبرده بالا تقدیم داشته و آنها را مورد تشویق قرار دادند.

امید فدراسیون این است که خانواده‌های بیشتری با انجام چنین مراسمی در فدراسیون که خانه خودشان است، از امکاناتی که موجود است، بهره‌مند شوند.

اخبار سازمان ها

اخیر خود آقای جیمی دلشاد را برای یک دوره ۳ ساله به عنوان پرزیدنت. آقای نوراله گبای را به عنوان رئیس هیئت امناء و آقای ابراهیم سیمخانی را به عنوان رئیس هیئت مدیره برگزیده است.

بنیاد مگبیت اطمینان کامل دارد که آقای دلشاد با تجربیات درخشان خود در زمینه های بازرگانی و اداره سازمانهای خیریه به ویژه ریاست کنیسای ساینای، مگبیت را در پیشبرد و اعتلای اهداف آن هدایت خواهد نمود.

بنیاد مگبیت در سال ۲۰۰۲ با همت والای حامیان خود قریب یک میلیون دلار به قربانیان ترور در اسرائیل اهداء نمود. آقای دلشاد با برنامه ریزی های وسیع امیدوار است که این رقم در سال ۲۰۰۳ افزایش یابد.

در تاریخ ۲۶ اکتبر ۲۰۰۲، گروه جوانان مگبیت جشن باشکوهی را با شرکت ۶۰۰ میهمان و گروهی از جوانان هنرمند جامعه برگزار کردند.

در تاریخ ۱۲ ژانویه ۲۰۰۳ گروه بانوان مگبیت گردهمایی ناهار در بورلی هیلتون برگزار خواهند نمود. مهمان برنامه در این گردهم آئی جناب آقای دکتر فرهنگ هلاکوئی میباشند.

جهت تهیه اطلاعات بیشتر در مورد فعالیت های گسترده بنیاد مگبیت با تلفن ۲۲۳۳-۲۷۳ (۳۱۰) تماس حاصل فرمائید.

سازمان بانوان بنی بریت، گروه

فریبرز مطلوب

جشن موعود سوکا روز یکشنبه ۲۲ سپتامبر ۲۰۰۲ با همکاری سازمان بانوان بنی بریت، گروه فریبرز مطلوب و گروه بانوان فدراسیون یهودیان ایرانی برگزار گردید.

این برنامه با دعای مخصوص موعود سوکا و هم چنین دعای صلح و آرامش در

«موقفیت اقلیت های مذهبی در عصر صفویه» سخنرانی جالبی ایراد نمود که مورد توجه شدید حضار قرار گرفت. در این گردهمایی کتاب «فرزندان استر» و کتاب «از آتن تا هیروشیما» به علاقه مندان ارائه گردید. جامعه دانشوران بدنبال اهداء و ارسال دو دستگاه آمبولانس مجهز به ماغن داوید اسرائیل، سومین آمبولانس اهدائی خود را که با یاری افراد خیر جامعه خریداری شده قریباً به اسرائیل اعزام خواهد نمود.



جیمی دلشاد

بنیاد مگبیت

بنیاد غیر انتفاعی مگبیت که در طول ۱۳ سال گذشته به بیش از ۳۰۰۰ دانشجو در اسرائیل و آمریکا وام شرافتمندانه اهداء کرده است، مفتخر است به اطلاع همگان برساند که در انتخابات

سازمان هداسا

در تاریخ یکشنبه سوم نوامبر ۲۰۰۲ مجلس جشنی از طرف سازمان هداسا به افتخار آقای Jean Habelson رئیس سابق سازمان هداسا با ۳۰ سال خدمت، دکتر Reama Falk متخصص اطفال ناقص الخلقه و Faye Kellerman انجام گرفت.

در این جشن پس از سخنرانی پروفیسور Idit Matatmed متخصص اطفال، کلیه درآمد جشن بمبلغ ۱/۵۰۰/۰۰۰ دلار به بیمارستان هداسا اهداء گردید.

برنامه بعدی این گروه جشن حنوکا بود که در تاریخ ۲۶ نوامبر در هتل بورلی هیلز برگزار گردید.

برنامه بعدی سازمان هداسا در تاریخ ۹ فوریه ۲۰۰۳ به صرف شام، رقص و Fashion Show در محل بورلی ویلشر برگزار خواهد گردید.

جامعه دانشوران

بنا بدعوت جامعه دانشوران و مرکز تاریخ شفاهی یهود ایران در تاریخ سیزدهم سپتامبر ۲۰۰۲ در محل جدید مجتمع نصح اسرائیل جلسه سخنرانی ترتیب داده شد.

در این جلسه که بیش از ۶۰۰ نفر از ایرانیان مقیم لوس آنجلس شرکت داشتند آقای مهندس بهرام مشیری محقق و تاریخ شناس و سخنور مشهور در زمینه

تمام عواید حاصله از این برنامه ها برای قسمتهای مختلف بیمارستان هداسا در اسرائیل فرستاده خواهد شد.

سازمان بانوان آرت

سازمان بانوان آرت در سال ۱۸۸۰ در سن پیتزبورگ روسیه بمنظور بوجود آوردن امکان تحصیل و آموزش حرفهای برای افرادی که ادامه تحصیل برایشان مقدر نبود، تشکیل شد.

۴۷ سال بعد یعنی در سال ۱۹۲۷ بانوان خیر یهودی بروکلین نیویورک رسماً سازمان بانوان آرت را تشکیل دادند. این سازمان بطوری گسترش یافت که در حال حاضر ۲۵۲/۰۰۰ دانشجو در ۸۰۰ آموزشگاه حرفهای در ۶۰ کشور جهان مشغول تحصیل هستند.

سازمان آرت در ایران نیز تا قبل از انقلاب فعالیت چشمگیری داشت. با مهاجرت یهودیان ایران به آمریکا در سال ۱۹۸۰ شاخه ایرانی آرت بنام Beverly West Chapter تشکیل گردید.

این شاخه طی ۲۲ سال اخیر فعالیت‌های چشمگیری را داشته و برای رسیدن به هدفهای سازمان همکاری بسیار صمیمانه و مؤثری را ارائه دادند و بارها مورد تشویق و تمجید آرت مرکزی قرار گرفته و موفق به دریافت تقدیرنامه‌هایی شده است.

سازمان بانوان آرت شاخه ایرانی با گردهم‌آنی‌های آموزشی و گردشهای دسته‌جمعی و دیدار از موزه‌ها و کتابخانه‌ها، ترتیب جلسات سخنرانی همچنین هر سال برگزاری جشن حنوکا را باشکوه فراوانی جشن میگیرند.

امسال هم این جشن نور و روشنایی را به همت عالی خانم و آقای «تاهید یونانی» بتحو احسن برگزار کردند.



سوگای گل و میوه از ابتکارات خانم‌ها ژاکلین احدوت و ژاله شوشانی

برای این منظور فرستاده بود که از همه این همیاران با محبت بسیار سپاس و تشکر میشود.

بزرگترین هدف بنی بریت از برگزاری هر ساله این جشن، گردهم آوردن خانواده‌ها و ایجاد آشنائی و تفاهم و نهایتاً گسترش دوستی و صمیمیت بین همگان است که خوشبختانه در این راه پیوسته موفق بوده و مورد تشویق قرار گرفته است.

سازمان گروه هداسا - ملکا

گروه ملکا هداسا، گروه خانمهای جوان مزدوج و نسل جدید هداسا، اولین برنامه سال جدید خود را در منزل باصفای آقا و خانم «شهاب» و «سپیده نورافشان» در ماه سپتامبر جشن گرفتند که با پشتیبانی و استقبال همه مواجه شد که با شرکت چندین کم‌دین معروف لوس آنجلس شبی بی نهایت پرخاطره برای همه شرکت کنندگان بود.

برنامه ناهار گروه ملکا در تاریخ نوامبر در منزل آقا و خانم «بهرام» و «ویدا حکیم‌فر» برگزار گردید که خانم دکتر «آزیتا سایان» سخنران آنروز بود.

گروه ملکا در ماه مارچ برنامه ناهار سالانه خود را خواهد داشت که در آنروز از چندین بانوی محترم پرسابقه و تحصیل کرده جامعه قدردانی خواهد کرد و در ضمن در آنروز Silent Auction نیز برگزار خواهد گردید.

سراسر جهان آغاز گشت.

خانم های بدری خلیلی و عزیزه کرمانیان ضمن خوش آمد، مطالبی درباره فلسفه موعود سوکا اظهار داشتند و از استقبال گرم مهمانان که پیوسته با شرکت در این موعود و جشن آن، پشتیبانی و همیاری دارند، سپاسگزاری کردند.

سراسر سالن با گل تزئین شده بود و سوگای میوه طبق معمول همه ساله از ابتکارات هنرمندانه خانم ژاکلین احدوت و خانم هاله شوشانی بود که علاوه بر اینها، با سلیقه خاصی سوکاهای کوچک از گل و میوه روی هرمیز ساخته بودند که جلوه چشم گیری داشت. بنی بریت پیوسته مرهون لطف این دوبانوی ارجمند است که با صرف وقت و انرژی و سلیقه خاص زیبایی و شکوه ممتازی به جشن هایش می بخشند.

ارکستر اسرائیلی فضای گرمی از سرور و سرود پیا کردند که تا پایان برنامه و مدتی پس از آن همه را سرگرم کرد.

پس از پذیرائی شام، مراسم قرعه کشی انجام شد. آقای بیژن رفانیل زاده یک جلد کتاب نفیس «فرزندان استر» را فی المجلس هدیه دادند که همراه با کتابهای بسیاری که شرکت کتاب آقای بیژن خلیلی و چند تن از خانم های بنی بریت هدیه کرده بودند به قرعه گذاشته و به برندگان اهدا شد.

شرکت ترانه نیز چندین کاست

گزارش کمیته امور خارجی

گرفت. در پایان جلسه سئوالات زیادی از سوی شرکت کنندگان از نمایندگان مطرح شد که پاسخ های لازم داده شد. سپس شرکت کنندگان برای صرف چای به سالن دیگر هدایت شدند و علاقمندان توانستند هنگام صرف چای با وکلای ایرانی و آمریکائی که با فدراسیون همکاری نزدیک دارند، مطالب خود را مطرح و راهنمایی شوند.

رابطه با قوانین و مقررات مهاجرت و مسائلی که اخیراً پیش آمده بیان داشتند که مورد توجه حضار و نمایندگان مطبوعات و رادیو تلویزیون های لوس آنجلس قرار

طی دو ماه گذشته درخصوص امور مهاجرت از وین به آمریکا با همکاری سازمان «هایاس» فعالیت های گسترده ای بعمل آمد و خوشوقتانه پرونده اکثر متقاضیان در اداره مهاجرت مورد رسیدگی قرار گرفت و موارد رد شده مجدداً بررسی و مورد موافقت قرار گرفت. در حال حاضر فقط دو پرونده مواجه با اشکال شده که با مذاکراتی که با هایاس بعمل آمده، امید می رود در آینده نزدیک وکلای آگاه هایاس به وین اعزام شوند تا مشکل این دو پرونده هم مرتفع شود.

نظرباینکه تعداد پرونده های رد شده برخی از اقلیت های ایرانی زیاد است، بمنظور راه حل برای کلیه ایرانیان که در وین هستند با مقامات برجسته هایاس مذاکرات پیگیری بعمل آمده و تبادل نظرهایی که با نمایندگان کنگره صورت گرفته، درخواست شده که قانون Humanitarian Parol شامل اینگونه متقاضیان مهاجرت ایرانی بشود و موجبات تسهیل پناهندگی و مآلاً مهاجرت آنها فراهم آید.

در رابطه با قوانین جدید مهاجرت و اقامت در آمریکا و مشکلاتی که اخیراً دامنگیر جامعه ایرانی شده است، فدراسیون یهودیان ایرانی بمنظور کمک و آگاهی رسانی، سمیناری با شرکت گروهی از متخصصین، نمایندگان دولتی و وکلای ایرانی و آمریکائی در روز دوشنبه ۲۳ ماه دسامبر ۲۰۰۲ از ساعت هفت تا نه بعدازظهر در محل فدراسیون برگزار کرد.

در این نشست نمایندگان دولتی و وکلای ایرانی و آمریکائی بیانات مؤثری در

گزارش کمیته صندوق اضطراری فدراسیون

بنا بر گزارش آقای الیاس اسفندی رئیس کمیته صندوق اضطراری فدراسیون یهودیان ایرانی، اقدامات زیر طی سال ۲۰۰۲ بعمل آمده است:

پرداختی به سیتی او هوپ برای کمک به بیماران معرفی شده ۲۰,۰۰۰ دلار

پرداختی به مرکز پزشکی سیدرزساینای برای معرفی بیماران ۱۰,۰۰۰ دلار

پرداختی به خانه پیران تهران ۴,۲۰۰ دلار

پرداختی برای کمک به زندانیان شیراز ۱۰,۰۰۰ دلار

پرداختی به سه یتیم خانه در اسرائیل ۳,۵۰۰ دلار

پرداختی به صندوق دوستداران اسرائیل ۳,۰۰۰ دلار

توزیع کوپن های غذا بین ۲۰۰ خانواده نیازمند طی روش هشانا

و موعد نisan ۳۰,۰۰۰ دلار

کمک به بیمار نیازمند در اسرائیل ۱,۰۰۰ دلار

علاوه بر کمکهای فوق صندوق توانسته است طی سال ۲۰۰۲ برای دو نفر نیازمند که قصد عزیمت به اسرائیل را داشته اند بلیط مسافرت تهیه و به آنها بدهد.

همچنین برای خرید لوازم منزل به دو خانواده که خانه آنها در آتش سوزی سوخته بود کمک شده و کرایه منزل سه ماهه برای ۲۲ خانواده نیازمند تأمین گردیده است.

در خصوص فعالیت های پزشکی صندوق اضطراری توانسته است شش بیمار نیازمند مبتلا به سرطان پیشرفته و بیمارهای قلب و عروق را برای بستری شدن و معالجه به بیمارستان سیدرز ساینای معرفی و طبق قرارداد موجود هزینه های آنها را تأمین کند و تعداد ۵۶ بیمار نیازمند را به پزشکان مختلف برای معالجه و مداوا معرفی نماید.

در سال ۲۰۰۲ صندوق اضطراری فدراسیون یهودیان ایرانی تعداد ۱۱ قطعه زمین در ایدن مموریال پارک با شرایط مناسب خریداری و با همان شرایط مناسب در اختیار افراد نیازمند قرار داده است. در نیمه ماه دسامبر ۲۰۰۲ نیز صندوق اضطراری موفق شد مجدداً ۵۲ قطعه زمین واقع در ایدن مموریال پارک خریداری کند که قسمتی از بهای آن پرداخت شده و بقیه به اقساط پرداخت خواهد شد تا بقیمت مناسب در اختیار نیازمندان قرار گیرد.



دنیای پرده

وارد کننده بهترین انواع پارچه های پرده ای
رومبلی و تورهای کیپور

HOME FABRICS

SHOWROOM

910 S. Wall St., Los Angeles, CA 90015

(213) 689-9600



شورای داوری و حل اختلاف

فدراسیون یهودیان ایران

یکی از بارزترین و فعالترین کمیته های فدراسیون، کمیته شورای داوری و حل اختلاف است که طی دو دهه گذشته عموماً و طی یکسال اخیر خصوصاً توانسته با پشتکار، دلسوزی، صرف وقت و ایثارگری به پروندههای زیادی که تعداد آن از دویست و بیست متجاوز است، رسیدگی کرده و مشکلات مردم را اعم از مالی، خانوادگی و اختلافات گوناگون دیگر با شایستگی حل و فصل کند.

شورای داوری با کمک چهار دکتر روئشناس و چهار وکیل و بهره گرفتن از تجربیات جمعی از افراد مجرب و مورد اعتماد جامعه شایستگی خود را در جهت رفع مشکلات عدهای از همکیشان بنحو احسن نشان داده است.

رئیس شورا آقای جمشید بخرد همگام و همفکر با دیگر افراد شورا با صرف وقت و گذشت فراوان در کمال بی نظری فعالیت دارند و همواره آمادگی خود را برای شنیدن مشکلات مردم و سعی در رفع گرفتاریها نشان داده است.

فدراسیون یهودیان ایرانی بر این باور است که همکیشان بهتر است سوء تفاهمات خود را قبل از ارجاع به وکیل و مآلاً دادگاه به شورای داوری و حل اختلاف ارجاع دارند و مطمئن باشند چون گذشته این شورا با دلسوزی و بیطرفی در رفع سوء تفاهمات و مشکلات آنان کوشا خواهد بود.

عید سوکا

قومی ازجان و جهان سیرآمده
سالیان سال کرده بندگی
همره موسی به اعجاز خدا
از ستمکاری فرعون ها رهید
دشت سوزان بود وگرما بی امان
تا حفاظی یابد این قوم نژند
پاره ابری شد روان با کاروان
ابر رحمت بر فراز کهکشان
چند مهری بهر قومی زار شد
شب بسان مشعل خورشید بود
بود در سرمای شب گرمای روز
سالها این ابر شد همراه و یار
آنچه میدانم و میدانی گذشت
حق گذاران محبت زان زمان
تا بماند پا بجا آن ماجرا
فصل پائیز آمد و گاه درو
سیب و انگور و گلابی ها رسید
چونکه تزئین گشت زانها سایبان
عید سوکا یا که جشن سایبان
این نموداری ز الطاف خداست
تا خدا هست و یهودیت بجاست

از جفای دهر دلگیر آمده
کرده بیگاری بجای زندگی
از غم و رنج اسارت شد رها
رفت و تا بر وادی سینا رسید
نه درخت و جوی آب و سایبان
وارهد از رنج و کم گردد گزند
قوم هر سو رفت شد همراه آن
از خدای مهربان بودش نشان
یک نشان از قدرت دادار شد
روزها چون سایه های بید بود
چاره ساز و دلنشین و دلفروز
بود همراه در همه شهر و دیار
قرنها گذشته از این سرگذشت
قصه ها گویند ز ابر سایبان
سایبانها گشت هر ساله بپا
وقت خرمن کردن گندم و جو
حاصل یکسال زحمت شد پدید
میوه بندان گشت دیگر نام آن
بهر ما ماندست زان عهد و زمان
آیتی از خالق مشکل گشاست
سایبان عشق هر ساله بیاست

مهین عمید (نگاه)

Iranian American
Jewish Federation
1317 N. Crescent Heights Bl.,
Los Angeles, CA 90064
(323) 654-4700

Change Service Requested

Non-Profit Org
US Postage

PAID

Van Nuys, CA
Permit No. 1344